

جبران خسارات قراردادی در حقوق مدنی کانادا (ایالت کبک)

منصور امینی*

علی برجیان**

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲

چکیده

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حقوق ایران، خسارات قابل مطالبه در مسئولیت قراردادی است. مواد ۲۲۱ و ۳۸۶ قانون مدنی ایران مبتنی بر دیدگاهی است بسیار مضیق و حداقلی از خسارت؛ دیدگاهی که عماداً منجر به ناکارآمدی نظام حقوقی در مواجهه با تخلفات قراردادی شده است. ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز با اعلام این که خسارت ناشی از عدالت‌نفع قابل مطالبه نیست، بر مشکل نظام جبران خسارت در حقوق ایران افزوده است. در چنین فضایی، مطالعه موضع حقوق مدنی ایالت کبک کانادا، که مانند حقوق ایران تحت تأثیر فراوان حقوق فرانسه است، می‌تواند برای حقوق‌دان ایرانی آموزنده باشد. در این مقاله، انواع خسارات قابل مطالبه حسب نوع تخلف و نوع تعهد و نیز شیوه‌های محاسبه خسارت و نحوه جبران آن مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌گان: مسئولیت قراردادی، عدم‌النفع، خسارت مادی، خسارت بدنی، خسارت معنوی، خسارت تنبیهی

مقدمه

در کانادا تمامی ایالت‌ها تابع نظام حقوقی «کامن‌لا» هستند، به استثنای ایالت کبک که تنها ایالت دارای نظام حقوق مدنی (نوشته) در این کشور است. در کبک منبع اول حقوق، قانون و

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

m_amini@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشکده حقوق دانشگاه مونترال کانادا

سپس آرای دادگاه‌هاست. با این حال، آرای دادگاه‌ها می‌تواند نقشی مهم و حتی به موازات و هم‌رده‌ی قانون ایفا کند. مبحث جبران خسارت قراردادی در حقوق مدنی ایالت کبک ذیل مبحث نقض تعهدات قراردادی طرح شده است. در صورت نقض تعهدات قراردادی، حقوق مدنی ایالت دو راه‌کار به عنوان ضمانت اجرا ارائه می‌دهد: ۱. «اجرای عین تعهد اصلی»؛ ۲. «اجرای تعهد از طریق معادل پولی»^۱. پیداست جبران خسارت در راه‌کار اخیر جای می‌گیرد. شایان ذکر است که طبق قانون مدنی کبک^۲ (از این پس ق. م. ک.) اصل بر راه‌کار اول (اجرای عین تعهد) می‌باشد و در صورت عدم امکان اجرای اصل تعهد، نوبت به راه‌کار دوم، یعنی جبران خسارت می‌رسد (ماده ۱۵۹۰ ق. م. ک.)^۳.

جبران خسارت به عنوان ضمانت اجرای مشترک نقض تعهد، هم در حوزه‌ی مسئولیت قراردادی و هم در حوزه‌ی مسئولیت غیر قراردادی گاه به عنوان تنها راه‌حل و گاه به عنوان ضمانت اجرای مکمل مورد استفاده قرار می‌گیرد، کما اینکه قانون مدنی کبک به این ضمانت اجرا در دو ماده ۱۴۵۷ و ۱۴۵۸ به ترتیب در دو حوزه‌ی غیر قراردادی و قراردادی اشاره دارد. طبق ماده ۱۴۵۷ ق. م. ک: «هر شخص مکلف به رعایت قواعد رفتاریست که طبق شرایط، عرف و قانون به او تحمیل می‌گردد، به نحوی که با رفتار خود موجب اضرار به دیگری نشود. چنانچه فرد عاقل چنین تکلیفی را انجام ندهد، مسئول خسارتی است که در نتیجه‌ی تقصیرش به دیگری وارد نموده و ملزم به جبران آن می‌گردد، اعم از این که خسارت بدنی، مادی یا معنوی باشد...».

در ادامه، طبق ماده ۱۴۵۸ ق. م. ک: «هر شخص مکلف به احترام گزاردن به تعهداتی است که در قرارداد به آن پای‌بند شده است. در صورتی که شخص تعهد خود در قبال طرف قرارداد را به‌جا نیاورد، نسبت به خسارات وارده‌ی بدنی، معنوی و یا مادی مسئول بوده و ملزم به جبران آن می‌باشد؛ نه او و نه طرف مقابل هیچ یک نمی‌توانند برخلاف قواعد مسئولیت قراردادی، قاعده دیگری را که به حال خود مناسب‌تر می‌بینند، انتخاب و اعمال نمایند».

1. Exécution par équivalent pécuniaire

۲. مصوب سال ۱۹۹۱. این قانون از سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شده است.

3. Maurice Tancelin, Les obligations en droit mixte du quebec, 7^e ed., edition Wilson&Lafleur, Montréal, 2009, n. 101.

علاوه بر این دو ماده، قانون‌گذار کبک به نحو اختصاصی موادی را در باب خسارت‌ها و جبران خسارت‌های قراردادی مقرر داشته که عبارتند از مواد ۱۶۰۷ تا ۱۶۲۵ ق.م.ک.^۱ بحث کلی جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهدات در قانون مدنی سابق به نام «قانون مدنی جنوب کانادا»^۲ (ق.م.ج.کا.) در مواد ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۳ و در قانون کنونی در مواد ۱۴۷۰ و ۱۶۱۱ ق.م.ک. پیش‌بینی و بحث جبران خسارت‌های صرفاً قراردادی به ترتیب طی مواد ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ ق.م.ج.کا. و ۱۶۱۳ و ۱۶۲۲ ق.م.ک. مورد توجه قرار گرفته است.^۳

سه مشخصه برای تفکیک خسارت‌های قراردادی از غیر قراردادی ارائه شده است. در صورت اجتماع هر سه مشخصه، خسارت وارده قراردادی است؛ در غیر این صورت و فقدان حتی یکی از این مشخصه‌ها، خسارت مربوط تابع رژیم مسئولیت‌های غیر قراردادی خواهد بود. این مشخصه‌ها به این شرح است: اول، وجود قراردادی که صحیح و معتبر تشکیل شده باشد؛ دوم، اختلاف ما بین طرفین قرارداد رخ داده باشد؛ و سوم، این که موضوع اختلاف، راجع به عدم اجرا و یا نقض تعهد و یا تعهدات برخاسته از قرارداد باشد. اگر موضوع اختلاف خارج از مفاد قرارداد بوده و صرفاً راجع به حسن تعامل طرفین باشد، از شمول این رژیم خارج می‌گردد.^۴ البته تعیین این که

کدام مسأله مستقیماً جزو مفاد قرارداد هست یا خیر، خود مستلزم بررسی جداگانه‌ایست.^۵

در این مقاله ابتدا به بررسی طبقه‌بندی‌های جبران خسارت در نظام حقوق مدنی کبک پرداخته شده (مبحث اول) و سپس نحوه‌ی ارزیابی خسارات مورد بررسی قرار گرفته است (مبحث دوم).

^۱ Jean-Louise Baudouin et Pierre-Gabriel Jobin, *Les obligations*, 7^e ed., edition Yvon Blais, Cowansville, 2013, p. 883, n. 748.

^۲ مصوب سال ۱۸۶۶ میلادی.

^۳ Tancelin, op cit., n. 1012.

^۴ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 900-910, n. 759-761.

^۵ مثلاً این که آیا دادگاه موظف است طبق ماده ۱۴۳۴ ق.م.ک. «تعهدات ضمنی» (قانون، عرف و رسوم، ماهیت قرارداد و نهایتاً انصاف) را نیز همان‌گونه که با نص صریح قرارداد برخورد می‌کند، لحاظ و تفسیر کند؟ گفتنی است طرفین قرارداد علاوه بر محتوای صریح متن توافق‌نامه، ملزم به رعایت این تعهدات نیز هستند.

مبحث اول - انواع مختلف جبران خسارت

چنانکه گذشت، در صورت عدم اجرای کلی و یا جزئی قرارداد، از راه کار جبران خسارت‌های قراردادی استفاده می‌شود. این جبران خسارت، یا در جهت بازگرداندن تعادل اقتصادی از دست رفته‌ی قرارداد (در اثر عدم اجرا) انجام می‌گیرد و از همین رو تحت نام «خسارت‌های ترمیمی»^۱ از آن یاد می‌شود (گفتار اول)؛ و یا به عنوان اهرمی بازدارنده برای جلوگیری از نقض مفاد تعهد توسط متعهد به کار گرفته می‌شود و از این حیث به «خسارت‌های تنبیهی»^۲ شهره است (گفتار دوم).

گفتار اول - خسارات ترمیمی

دسته اول از طبقه‌بندی انواع جبران خسارت، خسارت‌های ترمیمی است. ارکان اساسی تشکیل دهنده این نوع خسارت که تابع رژیم عمومی مسئولیت مدنی است عبارتند از: ۱. عدم اجرای قرارداد، ۲. ایراد ضرر و یا خسارت مستقیم و بلاواسطه، و ۳. وجود رابطه سببیت بین تقصیر یا تخلف طرف قرارداد با ضرر وارده.^۳

این دسته از سازوکارهای جبران، ناظر به تمامی ضررهای^۴ مادی، بدنی و یا معنوی (ماده ۱۴۵۸ ق. م. ک.) ناشی از عدم اجرای تعهد است؛ چنانچه موضوع تخلف انجام ندادن کامل تعهد یا انجام ناقص، معیوب و یا غیر منطبق آن با اوصاف تعهد بوده باشد، مشمول عنوان «خسارت‌های جبرانی»^۵ خواهد بود (قسمت اول) و اگر موضوع، تأخیر در اجرای تعهد باشد، در ذیل «خسارت‌های ناشی از تأخیر»^۶ جای می‌گیرد (قسمت دوم).

1. Dommages compensatoires

2. Dommages punitifs / Dommages exemplaires

3. Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 919-936, n. 765-775.

۴. این ضررها در سه مورد با مسئولیت مدنی مشترک است: مشروع و قانونی بودن (ضرر به منافع قانونی یکی از طرفین قرارداد)، قطعی، و مستقیم بودن ضرر ناشی از تخلف متعهد؛ و اما مورد چهارم قابل پیش‌بینی بودن ضرر در زمان انعقاد قرارداد است که عامل منحصربه‌فرد در خسارت‌های قراردادی است. رک.

Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 921-936, n. 767-775.

5. Dommages indemnitaires

6. Dommages moratoires

قسمت اول: خسارت‌های جبرانی

این گونه از جبران خسارت به زیان‌دیده از عدم اجرای کامل و یا ناقص قرارداد امکان می‌دهد مبلغی را بابت خسارت‌های مادی، صدمات و جراحات جسمی، زیان‌های معنوی و همچنین ضرر از دست دادن منفعت مطالبه کند، مانند خسارت مربوط به ارزش افزوده‌ی پولی که طلب‌کار می‌توانسته در صورت انجام به موقع تعهد به دست آورد و با این تخلف از آن محروم شده است. برای وصول چنین خسارتی زیان‌دیده باید نخست، تحقق ضرر یا عدم‌النفع، سپس وجود رابطه سببیت مستقیم بین نقض تعهد و ضرر، و در نهایت میزان خسارت وارده را اثبات کند. معمولاً جبران این نوع از خسارت‌ها در قالب الزام به پرداخت نقدی انجام می‌پذیرد (بند ۱ ماده ۱۶۱۶ ق. م. ک.)، مگر در موارد استثنایی که دادگاه حکم به پرداخت اقساطی در مواردی چون خسارت‌های بدنی ناشی از فعل صغیر صادر می‌نماید (بند ۲ ماده ۱۶۱۶ ق. م. ک.).^۱

قسمت دوم: خسارت‌های ناشی از تأخیر

خسارت‌های ناشی از تأخیر با توجه به نوع تعهد، در دو فرض قابل بررسی است: این که خسارت در اثر تأخیر در انجام یک تعهد به فعل یا ترک فعل پدیدار شده باشد (تعهدات غیر پولی)، و یا این که مربوط به تعهدات پولی باشد.

۱- چنانچه خسارت متعاقب تأخیر در انجام تعهدات غیر پولی باشد، به همان نحو که در باره خسارت‌های جبرانی ذکر شد، عمل می‌شود؛ به عنوان مثال، چنانچه شرکت سازنده مبلمان در تحویل آن به فروشنده تأخیر کند و فروشنده نیز به همین خاطر قادر به تحویل آن در زمان مقرر به مشتری خود نباشد، فروشنده همانند خریداری که مبیع را در موعد دریافت نکرده، می‌تواند با اثبات تحمل ضرر و رابطه مستقیم و بلاواسطه ضرر با عملکرد سازنده، اقدام به محاسبه خسارت و مطالبه آن نماید.^۲

۲- در خصوص تأخیر در پرداخت پول، برخلاف حالت قبل، ورود ضرر به صرف تأخیر در پرداخت محقق می‌شود و نیاز به اثبات ندارد (ماده ۱۶۱۷ ق. م. ک.). در واقع جمله رایج «زمان،

^۱. Didier Lluelles et Benoit Moore, Droit des obligations, 2^e ed. éditions Thémis, Montréal, 2013, p. 1863, n. 2989.

^۲. Lluelles et Moore, op. cit., p. 1864, n. 2991.

معادل پول است»، بیان‌گر این واقعیت است که گذشت زمان به خودی‌خود متضمن ایراد خسارت به کسی است که پول را در موعد مقرر دریافت نکرده است؛ مانند پرداخت دیر هنگام ثمن معامله یا اجاره‌بها و یا بازپرداخت مبلغ قرض که اگر به موقع دریافت می‌شد می‌توانست جزو دارایی ذینفع محسوب شده و علاوه بر در اختیار گرفتن اصل مبلغ، امکان حصول سود نیز از این راه برایش فراهم می‌شد.^۱

با مرور یکی از آرای دادگاه (دیوان) عالی کانادا با موضوع خسارت ناشی از تأخیر، موضع رویه قضایی این کشور را در این زمینه بهتر خواهیم دریافت؛ ضمن این که لزوم عامل «قابل پیش‌بینی بودن ضرر» در حین انعقاد قرارداد را نیز به خوبی درخواهیم یافت. شرکت راه‌آهن کانادا برای احداث یکی از بزرگ‌ترین تونل‌های زیر آب با یک شرکت پیمانکاری قراردادی می‌بندد؛ و آن شرکت نیز تمامی خسارت‌های مادی و ناشی از تأخیر در کار را به استثنای «اجرای معیوب و نامناسب» پروژه بیمه می‌نماید. در ادامه، ریزش تونل در اثنای کار موجب ۲۲۹ روز تأخیر در تحویل تونل و تحمل خسارتی هنگفت برای پیمانکار می‌شود که وی نیز متعاقباً تقاضای دریافت خسارت را از بیمه‌گر خود می‌نماید. شرکت بیمه برای رفع تکلیف خود از پرداخت چنین مبلغ سنگینی، به ایرادات فنی پروژه می‌پردازد و با استناد به استثنا کردن نقایص فنی و تکنیکی از مسئولیت‌های قراردادی بیمه‌گر، خود را مبرای از تعهد جبران خسارت می‌داند. پیرو طرح موضوع در مراجع قضایی و رسیدگی‌های بدوی و تجدیدنظر، دادگاه عالی کانادا در بررسی اختلاف شعب بدوی و تجدیدنظر، النهایه به نفع پیمانکار بیمه شده رأی می‌دهد. دادگاه در این خصوص مقرر داشت؛ طرفین قرارداد بیمه با علم به این نکته عقد بیمه را منعقد نموده‌اند که در انجام چنین پروژه‌ای بی‌سابقه‌ای، بروز خساراتی غیر مترقبه از جمله تأخیر در تحویل موضوع قرارداد قابل پیش‌بینی است و اطلاق موضوع قرارداد به دربرگرفتن تمامی خسارت‌ها، و استثنا کردن موارد معیوب، باعث تفسیر مضیق «وصف معیوب و نامناسب» کارهای انجام شده‌ی پیمانکار شده و لذا اصل مسئولیت شرکت بیمه در پرداخت خسارتی که متعهد به آن بوده محرز می‌گردد.^۲

1. Lluelles et Moore, op cit., loc. cit.

2. Compagnie des chemins de fer nationaux du Canada c. Royal et Sun Alliance du Canada, Sociétés d'assurances, 2008 CSC 66 (Can LII), [2008] 3 RCS 453.

گفتار دوم - خسارات تنبیهی

وضع این نوع از خسارت، صبغی صرفاً حقوقی نداشته و در جریان اخلاقی نمودن روابط اقتصادی به مقررات حقوق مدنی کبک وارد شده است. چنانکه پیش‌تر گذشت، فلسفه وضع این خسارات برخلاف خسارت‌های ترمیمی (که به دنبال بازگرداندن تعادل از دست رفته قرارداد نقض شده است)، دربر دارنده‌ی نوعی مجازات بازدارنده در مقابل نقض تعهد و ضرر رساندن به طرف قراردادی است (بند ۱ ماده ۱۶۲۱ ق. م. ک.). این نوع خسارت به رغم نام و جنبه‌ی مجازات‌گونه‌ی آن، ماهیتی حقوقی دارد و نه کیفری، و لذا مبلغ جریمه به فرد متضرر پرداخت می‌شود و نه دولت؛ چه به شکل مستقل، و یا همراه با سایر خسارت‌های ترمیمی که به وی اختصاص داده می‌شود. قابل ذکر است فلسفه‌ی «تنبیهی» این نوع خسارت، لزوماً به معنای تحمیل مبالغ سنگین جریمه به شخص خاطی نیست و تا حدی که موجب تنبه وی باشد، محدود می‌شود.^۱

ذکر دو نکته در باره اعمال قابل مجازات به این شکل، و یک نکته در باب اثبات دلیل ضروریست. اول این که این خسارت‌ها خصوصیتی استثنایی دارند و لذا تنها اعمال مشخص شده در قانون را شامل می‌شوند (بند ۱ ماده ۱۶۲۱ ق. م. ک.) و بنابر این هیچ عمل دیگری را بدون نص صریح قانون، حتی اگر با سوءنیت نیز انجام پذیرفته باشد، نمی‌توان به این نوع از خسارت محکوم نمود. دومین نکته این که هرچند در اغلب موارد، سوءنیت و عمدی بودن عمل شرط است، اما گاه به شکل استثنایی صرف نقض تعهد هم می‌تواند مصداق این نوع خسارت قرار گیرد. و نکته‌ی آخر در باب اثبات دلیل این که مدعی مکلف به ارائه دلیل در خصوص مورد است و نه قاضی.^۲

مصداق انحصاری قانونی که دربرگیرنده‌ی جبران خسارت تنبیهی است به شرح زیر می‌باشد:

۱- نقض عامدانه و غیر مشروع یکی از حقوق و آزادی‌های مذکور در منشور حقوق و آزادی‌های فردی کبک (ماده ۴۹ منشور). گاه عدم انجام یکی از تعهدات قراردادی می‌تواند منجر به

¹. Lluelles et Moore, op. cit., p. 1867, n. 2997; Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 983-990, n. 802-807.

². Lluelles et Moore, op. cit., p. 1868, n. 2998.

نقض یکی از حقوق اساسی شود که در این صورت به شرط اجتماع دو عامل، حکم به پرداخت خسارت تنبیهی صادر می‌شود: شرط اول این که صدمه‌ای غیر قانونی به یکی از حقوق و آزادی‌های فردی وارد شود (بند اول ماده ۴۹ منشور)، مانند هتک شخصیت و آبرو و اعتبار فرد در قرارداد کار یا بیمه یا ضرر رساندن به اموال مستأجری که در پایان موعد اجاره اقدام به تخلیه خانه خود نکرده است؛ شرط دوم این که چنین آسیبی عامدانه و با سوءنیت و اراد شده باشد.^۱

۲- آزار مستأجر واحد مسکونی توسط موجر (ماده ۱۹۰۲ ق. م. ک.). قانون مدنی کبک در سه مورد جبران خسارت تنبیهی را برای مستأجران به رسمیت شناخته است: مورد اول در جایی است که مالک خانه بدون دلیل موجه از اجاره دادن واحد مسکونی عرضه شده برای اجاره خودداری کند و یا شروطی غیر متعارف و پرهزینه را به فرد خواهان اجاره تحمیل نماید با این بهانه که وی باردار یا دارای فرزندان زیادی است؛ یا بر این مبنا که او یکی از حقوق مشروع خود (مذکور در قانون مدنی یا «قانون اداره و نظارت بر مسکن»)^۲ را از صاحب‌خانه مطالبه کرده است (ماده ۱۸۹۹ ق. م. ک.). دومین مورد، در فرضی است که صاحب‌خانه یا فرد دیگری با تحت فشار قرار دادن مستأجر امکان استفاده‌ی آرام و بی‌دغدغه‌ی او را از ملک استیجاری محدود و دشوار سازد تا آن‌جا که مستأجر را وادار به ترک محل کند. در این مورد تعدد موجر لازم نیست و صرف انجام چنین اقداماتی برای محکوم شدن کافی است (ماده ۱۹۰۲ ق. م. ک.). سومین و آخرین مورد ناظر به حالتی است که بازپس‌گیری و تخلیه منزل استیجاری با سوءنیت انجام گرفته باشد (ماده ۱۹۶۸ ق. م. ک.).^۳

۳- نقض تعهدات فروشنده یا سازنده کالا مندرج در قانون حمایت از مصرف‌کننده (ماده ۲۷۲ قانون حمایت از مصرف‌کننده). در این قانون ذکر نشده است که نقض تعهد باید عامدانه باشد یا خیر؟ به همین دلیل، در این باره شاهد تفسیرهای گوناگونی در رویه قضایی هستیم. طبق برخی آرای صادره باید سوءنیت و تعدد سازنده یا فروشنده در تضییع حق مصرف‌کننده محرز باشد

^۱ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 990-993, n. 808.

^۲ Loi sur le régime du logement

^۳ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 994-996, n. 810.

وگرنه هر تخلفی، ولو سهواً موجب محکومیت به جبران خسارت‌های تنبیهی نمی‌گردد. دسته دیگری از آرای قضایی بیان داشته‌اند اطلاق ماده دال بر قصد قانون‌گذار بر این دارد که صرف نقض قانون، بدون لزوم تعمد و سوءنیت برای ایجاد چنین خسارتی کفایت می‌کند. در رأی اخیر دادگاه تجدیدنظر، به دیدگاه دوم گرایش نشان داده شده، اما نه به این معنی که صرف وقوع هر نوع تخلف موردی، اتفاقی و یا کوچک مستلزم محکومیت به خسارت تنبیهی گردد (بند ۱ ماده ۱۶۲۱ ق.م.ک).^۱

۴- سوءاستفاده بارز از مقررات آیین دادرسی مدنی (بند ۱ ماده ۵۴،۴ قانون آیین دادرسی مدنی). این بند در سال ۲۰۰۹ میلادی به این قانون افزوده شده است. طبق این بند، شخص متخلف به دلیل سوءاستفاده در طرح دعوا و یا در یکی از مراحل رسیدگی، مثلاً اقامه دعوا به قصد تأخیر در احقاق حق طرف مقابل و یا درخواست‌های غیر موجهی که به قصد اطالای دادرسی به دادگاه ارائه می‌شود، علاوه بر محکومیت به پرداخت کلیه هزینه‌های دادرسی، به پرداخت خسارات تنبیهی نیز محکوم خواهد شد.^۲

مبحث دوم- نحوه ارزیابی جبران خسارت

پیش از ورود به مسأله چگونگی ارزیابی خسارت، بایست به این پرسش پاسخ داد که با توجه به این که در قانون مدنی کبک، فصل جداگانه‌ای به جبران خسارت قراردادی اختصاص داده شده است، آیا متضرر از عدم اجرای تعهد قراردادی، در شرایطی که توسل به مقررات مسئولیت غیر قراردادی برای او پرمفعت‌تر است و یا در حالت عادی و به دل‌خواه خود، حق توسل به قواعد مسئولیت غیر قراردادی را خواهد داشت یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت هرچند شباهت‌های زیادی میان این دو رژیم مسئولیت وجود دارد، اما با توجه به قصد قانون‌گذار از این فصل جداگانه‌ای برای این نوع مسئولیت پیش‌بینی کرده است، برای خسارات ناشی از نقض قرارداد صرفاً باید به مواد قانونی مختص آن (ماده ۱۴۵۸ ق.م.ک.) مراجعه نمود و هیچ‌کدام از طرفین حق انتخاب در این زمینه را ندارند. شایان ذکر

¹. Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 993-994, n. 809.

². Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 996-997, n. 811.

است که این مقررات ذیل عنوان «نظم عمومی» در قانون مدنی آمده و بنابر این در زمره مقررات آمره محسوب می‌شوند و توافق بر خلاف آن‌ها برای هیچ‌کدام از خواهان و خوانده‌ی دعوا میسر نمی‌باشد. جالب این که رویه اتخاذ شده در حقوق فرانسه نیز به همین منوال است.^۱ با وجود این، اگر خسارت یا آسیبی خارج از حیطه قرارداد ولو در کنار یا هم‌زمان با اجرای آن اتفاق افتاده باشد، به دلیل این که خارج از چارچوب ذات قرارداد می‌باشد، موضوع به نحو جداگانه و طبق قواعد عمومی مسئولیت ارزیابی خواهد شد.^۲

در خصوص نحوه ارزیابی خسارات ناشی از نقض قرارداد باید میان دو فرض تفکیک کرد: اول، فرضی که طرفین، از قبل، در قرارداد منعقد در خصوص میزان خسارت لازم‌التادیه توافق کرده باشند (وجه التزام)؛ و دوم، فرضی که توافقی در این خصوص میان طرفین از قبل صورت نگرفته باشد و بنابر این ارزیابی به نحو «قضایی» باید صورت گیرد. در این مقاله، به فرض اخیر پرداخته خواهد شد.

روش متداول ارزیابی خسارت تأخیر در پرداخت‌های پولی به این شکل است که خواهان با ارائه شواهد و مدارک در دادخواست (البته بدون نیاز به اثبات وقوع ضرر)، مبلغ دقیق خسارات درخواستی خود را تعیین و مطالبه می‌کند. خواننده نیز به نوبه‌ی خود و عموماً با استناد به نظر کارشناس، سعی در تعدیل آن مبلغ می‌نماید. در نهایت، قاضی با بررسی صحت ادله و شواهد، اصل استحقاق طلب و در صورت پذیرش آن، مبلغ خسارت را تعیین و رأی متناسب را صادر می‌کند. البته تعیین خسارت به این روش همیشه امری ساده نیست و گاهی نیز حتی مراجعه به آری کارشناسان به نتایج ضد و نقیض منجر می‌شود. از سوی دیگر، ارجاع به نظر کارشناس بیشتر در تعیین خسارت‌های مادی راه‌گشا است تا در خسارت‌های غیر مادی، مثل ضرر و زیان معنوی که جنبه غیر عینی دارند.^۳

در پایان، باید توجه داشت که مبلغ نهایی قابل پرداخت به متضرر بیشتر از مبلغ اسمی مذکور در حکم دادگاه است، زیرا نرخ قانونی یا قراردادی بهره‌ی خسارت، بنا به تشخیص دادگاه، از زمان

^۱ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 884-888, n. 749-753.

^۲ Ibid., pp. 910-912, n. 762

^۳ Lluelles et Moore, op. cit., p. 1872, n. 3000.

تخلف در اجرای تعهد و یا زمانی دیرتر از آن محاسبه و بر مبلغ اصلی افزوده خواهد شد (ماده ۱۶۱۸ ق.م.ک.^۱).

برای سهولت در بررسی روش‌های ارزیابی خسارت، همانند دسته‌بندی انواع خسارت، ابتدا و در دو گفتار، به روش‌های قضایی تعیین خسارت در خسارت‌های ترمیمی (گفتار اول) و سپس خسارت‌های ناشی از تأخیر (گفتار دوم) خواهیم پرداخت و نهایتاً روش‌های قانونی تعیین خسارت و هزینه‌های دادرسی را بررسی خواهیم کرد (گفتار سوم).

گفتار اول- روش‌های ارزیابی خسارت‌های ترمیمی به طریق قضایی

در این گفتار به تشریح راه‌های ارزیابی خسارت‌های جبرانی (قسمت اول) و خسارت‌های ناشی از تأخیر (قسمت دوم) خواهیم پرداخت.

قسمت اول: نحوه محاسبه قضایی ضرر در خسارت‌های جبرانی

۱- قواعد کلی محاسبه و ارزیابی خسارت

تعیین میزان خسارت در حقوق کبک، یا توسط قاضی است (تعیین قضایی خسارت)، یا بر مبنای پیش‌بینی‌های طرفین (تعیین قراردادی خسارت) و یا استثنائاً توسط قانون (تعیین قانونی خسارت) بین طرفین.^۲

سقف مجاز برای تعیین مقدار این نوع خسارات (ضرر وارده یا منفعت از دست رفته) تا آن‌جاست که خود موجب دارا شدن بلاجهت و ناعادلانه متعهدله به ضرر و هزینه‌ی متعهد نگردد.^۳ از این قاعده تحت نام «جبران خسارت کامل»^۴ یاد می‌شود. برای محاسبه این نوع از خسارات، دادگاه‌ها علاوه بر روش‌های ثابت مذکور در قانون، خود تا حد زیادی این اختیار را دارند تا با استفاده از فرمول‌ها و شاخص‌هایی به تناسب موضوع هر دعوا، به ارزیابی دقیق‌تر خسارت بپردازند؛ به بیان دیگر روش دقیق یکسانی که برای محاسبه تمام خسارت‌ها قابل استناد باشد

^۱ Tancelin, op. cit., n. 1114; Lluelles et Moore, op. cit., p. 1885, n. 3011.

^۲ Maurice Tancelin, Des obligations, contrats et responsabilités, 4^e ed. edition Wilson&Lafleur, Montréal, 1988, p. 439, n. 736.

^۳ به این منظور، خسارت تعیین شده نباید بیش از اصل مبلغ ضرر برآورد گردد.

^۴ Réparation intégrale / restitutio in integrum

وجود ندارد و دست محاکم در این زمینه به نحو چشم‌گیری باز است.^۱ البته گاه در مواردی قانون یا رویه قضایی (غیر از شروط محدود کننده یا رافع مسئولیت قراردادی) برای تعیین مقدار خسارت سقفی مقرر داشته‌اند که حتی ممکن است مبلغ جبرانی را به کم‌تر از اصل ضرر نیز کاهش دهد. در این رابطه می‌توان به نمونه‌هایی اشاره داشت: مسئولیت هتلداران نسبت به اشیاء مفقود شده یا آسیب دیده در هتل (ماده ۲۲۹۸ ق. م. ک.)؛ مسئولیت شرکت‌های حمل‌ونقل داخلی و خارجی نسبت به خسارات وارده بر محموله؛ مسئولیت مربوط با حوادث و صدمات ناشی از کار که جبران آن به مبلغ مشخصی محدود شده؛ و همچنین محدودیت خسارت قابل مطالبه به موجب رأی دیوان عالی کانادا برای صدمات بدنی که فرد خود در وقوع آن دخیل بوده به مبلغ ۱۰۰ هزار دلار.^۲

دادگاه‌ها در تعیین و اعلام مقدار خسارت، صرفاً به خسارت وارده توجه می‌کنند و هیچ عامل دیگری را در این مقام مورد لحاظ قرار نمی‌دهند؛ بنابر این و برای مثال، توانایی یا ناتوانی مالی متعهد برای پرداخت مبلغ موضوع خسارت و یا دریافت وجهی تحت عنوان خسارت از شخص ثالث مثل بیمه مورد توجه دادگاه قرار نمی‌گیرد. البته دریافت خسارت از بیمه در دو فرض قابل بررسی است: فرض اول مربوط به مواردی است که شخص ثالث (بیمه‌گر) جایگزین متعهدله (متضرر) نمی‌شود و متضرر می‌تواند هم به شرکت بیمه و هم به زیان‌زننده مراجعه نماید (ماده ۱۶۰۸ ق. م. ک.). به عنوان مثال، اگر به علت مشکل فنی در ساخت دستگاه میکروفر و انفجار آن، مصرف‌کننده مجروح شود و متعاقباً دادگاه خسارات وارده را معادل ۲۵۰ هزار دلار ارزیابی نماید و شرکت بیمه مبلغ ۱۰۰ هزار دلار به زیان‌دیده بدهد، این امر مانع آن نخواهد بود که وی برای مطالبه کامل خسارت، به شرکت سازنده یا فروشنده نیز مراجعه نماید؛ در چنین فرضی، قاضی نمی‌تواند با استناد به اخذ خسارت از بیمه، مبلغ ۱۰۰ هزار دلار دریافتی را از خسارت موضوع الزام سازنده یا فروشنده کسر نماید، مگر این که طبق قرارداد، شرکت بیمه جانشین متضرر شود که غالباً در بیمه‌نامه‌های «اشخاص» چنین مطلبی درج نمی‌شود. اما در فرض دوم و در «بیمه‌های جبران خسارت» که بیمه‌گر جانشین بیمه‌گذار در وصول خسارت می‌شود، مبلغ

^۱. Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 936-938, n. 776.

^۲. Ibid., pp. 953-954, n. 785-787.

پرداختی بیمه از اصل خسارت قابل پرداخت کسر می‌شود (ماده ۲۴۷۴ ق. م. ک.). برای مثال، اگر آتش‌سوزی در اثر بی احتیاطی کارگری که تجهیزات آشپزخانه را نصب کرده باعث از بین رفتن قسمتهایی از خانه و لوازم خانه معادل ۲۵۰ هزار دلار گردد و بیمه‌گر مبلغ ۱۰۰ هزار دلار پرداخت کند، بیمه‌گذار تنها حق مطالبه ۱۵۰ هزار دلار باقی‌مانده را از شرکت ساختمانی خواهد داشت و اختیار دادگاه به صدور حکم به همین مبلغ محدود می‌شود.^۱

۲- محاسبه بر اساس منشأ خسارت وارده

محاسبه خسارت‌های قراردادی مذکور در ماده ۱۴۵۸ ق. م. ک. همانند مسئولیت‌های مدنی (ماده ۱۴۵۷ ق. م. ک.)، بر اساس نوع خسارات شامل خسارت‌های مادی، آسیب‌های بدنی، و خسارات معنوی تحت سه عنوان قابل بررسی است.

الف) ارزیابی خسارت‌های مادی

نحوه ارزیابی خسارت‌های مادی قراردادی، مانند همان روشی است که در مورد مسئولیت مدنی (مبنتی بر تقصیر) به کار گرفته می‌شود (ماده ۱۶۱۱ ق. م. ک.).^۲ بر پایه رویه قضایی موجود، مبنای محاسبه «ضرر وارده» و «منافع فوت شده» در قراردادهای معوض روشی ساده است؛ بدین ترتیب که اختلاف میان مبلغ مشخص شده در قرارداد با قیمت بازار در زمانی که خسارت باید پرداخت شود، محاسبه و بر مبنای آن خسارت تعیین می‌گردد. در صورتی که قیمت بازار قابل تخمین یا در دسترس نباشد، مثلاً در مورد کالاهای غیر تجاری، باید بر اساس قیمت واقعی زمان پرداخت یا هر طریق دیگری که دال بر آن باشد، مثل مراجعه به نظر کارشناس، مابه‌التفاوت دو قیمت را ارزیابی نمود. تمامی هزینه‌ها و مخارج مستقیم، بلاواسطه و قابل پیش‌بینی مرتبط با خسارت وارده، مثل هزینه‌های جابه‌جایی و انبارداری یا جایگزین کردن کالایی که به موقع تحویل نشده و مازاد قیمتی که برای آن پرداخت شده و یا فاسد شدن کالا و غیره، علاوه بر اصل خسارت، قابل مطالبه است.^۳ البته چنانکه دیدیم، اصل مبلغ خسارت تعیین

^۱ Lluelles et Moore, op. cit., p. 1863, n. 2990.

^۲ Tancelin, Les obligations en droit mixte du Quebec, n. 1036.

^۳ Ibid., n. 1037; Baudouin et Jobin, op. cit., p. 940, n. 778.

شده نباید بیش از اصل مبلغ ضرر برآورد گردد، وگرنه خود منشأ دارا شدن بلاجهت و ناعادلانه خواهد گردید.^۱

قاعده کلی مسئولیت مدنی مبنی بر ضرورت تقلیل مقدار خسارت، برگرفته از نظام حقوقی «کامن لا»، در مورد خسارت‌های قراردادی هم اعمال می‌شود. به موجب این قاعده، زیان دیده نیز مکلف است با اتخاذ روش‌های معقول تا حد امکان جلوی ورود ضرر بیشتر را بگیرد وگرنه خود به جای متخلف در قبال آن مسئول خواهد بود.^۲

برای تبیین تفاوت روش‌های محاسبه‌ی خسارت، متناسب با شرایط خاص هر دعوا، نمونه‌هایی از حالت‌های گوناگون عقد بیع را بررسی می‌کنیم: در خرید و فروش، هر یک از طرفین قرارداد تعهداتی بر عهده دارند که سر باز زدن از هر کدام آن‌ها می‌تواند منتج به ضررهای مختلفی شود که هر کدام بایست جداگانه محاسبه گردد؛ مثلاً از یک سو تخلف فروشنده در عدم انتقال سند یا تحویل مبیع و یا از سوی دیگر، تخلف خریدار در عدم حضور برای انتقال مالکیت و یا تحویل گرفتن کالای خریداری شده.

۱- در فرض نخست، در صورت تخلف فروشنده، ارزیابی خسارت عبارتست از حاصل اختلاف قیمت مبیع با قیمت همان کالا که خریدار به قیمت بیشتری از فروشنده‌ی دیگری تهیه کرده است، و یا تفاوت قیمت قراردادی با قیمت همان کالا در زمان تخلف (که قاعداً گران‌تر است). از دیگر سو، خریدار می‌تواند فقدان سود ناشی از بازفروش همان کالا را با قیمت روز بازار مطالبه کند، به شرطی که این سود قطعاً قابل حصول و قیمت کالای مزبور در حال افزایش باشد (بند ۲ ماده ۱۶۱۱ ق.م.ک.).

۲- در فرض دوم و امتناع ناموجه خریدار از انتقال رسمی مالکیت و یا قبض مبیع، فروشنده می‌تواند خسارتی معادل تفاوت قیمت روز بازار در زمانی که کالا باید تحول گرفته می‌شده (که به کم‌تر از قیمت زمان فروش تنزل پیدا کرده) با قیمت قرارداد را مطالبه نماید.

¹. Baudouin et Jobin, op. cit., p. 939, n. 778.

². Tancelin, Les obligations en droit mixte du Quebec, op. cit., n. 1039.

۳- پیچیدگی مسأله در مورد معاملات بورس و اوراق بهادار بیشتر نمایان می‌شود؛ که به دلیل تورم و نوسان مداوم قیمت‌ها می‌توان دو زمان را در مقایسه با قیمت قرارداد انتخاب کرد؛ زمانی که قرارداد باید در آن اجرا می‌شده و یا زمان صدور حکم.^۱

برای ایضاح بیشتر مطلب به بازخوانی یکی از آرای دادگاه‌های کبک با ذکر دقیق اعداد و جزئیات پرونده می‌پردازیم: مالک یک قطعه زمین برای تأمین مساحت لازم جهت ساخت یک استخر، از صاحب ملک مجاور که یک شرکت ساختمانی بود درخواست می‌نماید بخشی از زمین تحت تملک خود را به قیمت یک دلار برای هر پای مربع و در مجموع معادل ۳۵۵۰ دلار کانادا به وی بفروشد. شرکت مزبور با قیمت پیشنهادی موافقت کرده و اعلام می‌دارد خریدار (متعهد به خرید) بایست بدو اقدام به انجام تشریفات لازم از جمله تهیه نقشه‌های مربوطه بنماید. در همین اثنا و پس از گذشت مدتی در حدود شش ماه، متعهد به خرید مشاهده می‌کند که شرکت ساختمانی دیگری مشغول به انجام عملیات ساخت‌وساز در زمین‌های مجاور از جمله قطعه زمین مورد نظر شده است. پس از پرس‌وجو، معلوم می‌شود که شرکت اخیر با پرداخت ۱۷ هزار دلار به مالک زمین اقدام به خرید کل زمین مجاور نموده و تشریفات رسمی آن نیز انجام شده است. از همین رو، شخص متعهد به خرید که به مقصود خود دست نیافته بود، به واسطه‌ی زیانی که گمان می‌کرد به وی وارد شده از شرکت فروشنده خسارتی معادل ۱۷۷۵۰ دلار مطالبه می‌کند؛ این خسارت ادعایی شامل ۱۷ هزار دلار بهای زمین، به اضافه ۵۰۰ دلار هزینه کارشناسی ملک و ۲۵۰ دلار نیز برای هزینه‌های دفترخانه اسناد رسمی بود. پس از طرح موضوع نزد مرجع قضایی، دادگاه بدوی چنین استدلال می‌کند که با توجه به وجود «قرارداد تعهد به فروش» (قولنامه) و تراضی بر سر قیمت و ارجاع به کارشناس برای ترسیم نقشه قسمت مورد معامله، و به رغم این که خواهان با وجود گذشت شش ماه از زمان اعلام توافق، هنوز برای ارائه نقشه و ورود به مراحل انجام رسمی معامله اقدامی ننموده بوده، اما چون زمان مشخصی برای انجام اقدامات مورد توافق بین طرفین قید نشده و با توجه به نوع معامله (غیر منقول)، مدت شش ماهه زمانی ناکافی برای فسخ یک‌جانبه‌ی تعهد به فروش توسط مالک زمین برآورد شده و فروشنده متخلف شناخته می‌شود. در ادامه، دادگاه برای محاسبه‌ی خسارت خواهان، چنین حکم کرد که:

¹ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 942-943, n. 779.

مابه‌التفاوت قیمت مورد توافق برای خرید زمین (یک دلار) با قیمت روزی که دادگاه حکم به پرداخت خسارت نموده، یک دلار و ۷۵ سنت به ازای هر پای مربع است و با ملاحظه اینکه قطعه زمین مورد نزاع تنها قسمتی از کل زمین خریداری شده توسط شخص ثالث (خریدار فعلی) می‌باشد و چون با فرض مشاع بودن آن قسمت از زمین، ارزش مستقل آن بالغ بر یک دلار و نیم خواهد بود، دادگاه حد وسط ۵۰ و ۷۵ سنت، یعنی مبلغ ۶۰ سنت را به عنوان خسارت برآوردی برای هر پای مربع در نظر گرفته که حاصل ضرب آن در مساحت ۳۵۵۰ پای مربع عبارتست از ۲۱۳۰ دلار. راجع به حق‌الزحمه تقاضا شده از سوی کارشناس، دادگاه تنها با پرداخت نیمی از آن موافقت کرد، به این دلیل که قسمت عمده گزارش کارشناسی معطوف به برآورد دارایی‌های خواننده بود که خارج از موضوع دعوا بود و تنها مبلغ ۲۵۰ دلار ارزشیابی قیمت قطعه‌ی مورد دعوا قابل مطالبه دانسته شد. پرداخت هزینه‌ی دفترخانه نیز غیر قابل قبول تشخیص داده شد به این دلیل که مبلغ مأخوذه در پاسخ به این پرسش خواهان بوده که آیا این قطعه از زمین واقع در خیابان است یا نه، که به صرف مراجعه به شهرداری حاصل می‌شده و نیازی به انجام تحقیق و بررسی و پرداخت هزینه دفتر اسناد رسمی نبوده است. در مجموع دادگاه به پرداخت مبلغ ۲۳۸۰ دلار به اضافه‌ی بهره و هزینه‌های رسمی دادرسی به نفع خواهان حکم داده است.^۱

ب) ارزیابی خسارت‌ها و جراحتهای بدنی

عدم انجام بعضی تعهدات قراردادی می‌تواند آسیب‌های بدنی نیز در پی داشته باشد؛ مثلاً رعایت نکردن ضوابط ایمنی از سوی کارفرما، و یا کوتاهی در اطلاع‌رسانی راجع به دستورالعمل‌های لازم برای استفاده از کالاهای خطرناک، مانند نصب نشدن برچسب‌های هشداردهنده و مانند آن. با وجود اینکه قواعد تعیین آسیب‌های بدنی قراردادی به سبب وجود رابطه قراردادی، در حیطه قانون مدنی قرار دارد، اما گاه با توجه به اهمیت موضوع در پاره‌ای از عقود، بررسی آن به قوانین خاص محول شده است، مانند حوادث ناشی از کار و یا تصادفات رانندگی.^۲

^۱ Pontbriand C. Montréal Land & Housing Corp., [1985] C.S. 321-325, cite par Jean-Louis et Vincent Karim, Recueil de jurisprudence, droit des obligations, 3^e ed. éditions Thémis, Montréal, 2001, pp. 1149-1155.

^۲ Baudouin et Jobin, op. cit., p. 950, n. 783.

در مقایسه‌ای کلی، شباهت مبنایی قابل توجهی بین آسیب‌های بدنی قراردادی و خسارت‌های بدنی مبتنی بر تقصیر (مسئولیت مدنی) وجود دارد، به طوری که اصولاً هر دو با یک روش مورد محاسبه قرار می‌گیرند؛ با این تفاوت که درج شرط محدودیت یا معافیت از مسئولیت در متن قرارداد، می‌تواند به محدودتر شدن امکان مطالبه‌ی خسارت‌های قراردادی منجر شده و مانع از مطالبه قسمتی از خسارات و یا حتی خسارت کامل شود که چنین محدودیتی در مسئولیت مدنی (غیر قراردادی) وجود ندارد.^۱

نحوه ارزیابی آسیب‌های بدنی از جمله مسائل بحث‌برانگیز بوده و در رویه قضایی و قانون‌گذاری جدید دچار تغییراتی مداوم شده است. مطابق روش قدیمی، حسب گزارش پزشک مبنی بر میزان نقص عضو یا از کارافتادگی شخص، خسارتی معادل حقوقی که وی می‌توانسته در موقعیت شغلی خود تا زمان بازنشستگی به دست آورد، یکجا پرداخت می‌شده است. برای نمونه به پرستار ۳۰ ساله‌ای که دچار از کارافتادگی ۱۰۰٪ شده بود، مبلغ ۱۵۵ هزار دلار بر مبنای پایه‌ی حقوقی وی اختصاص داده می‌شد. اما قانون مدنی جدید ایالت کبک، با وضع مواد ۱۶۱۴، ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶ در رویه سابق تجدیدنظر کرده و به سمت مواضع بهتری گام برداشته است.^۲

ایراد روش پیشین در رویکرد شخصی آن برای محاسبه آسیب و خسارت‌های هر فرد با توجه به وضعیت شغلی و مالی وی بود که این خود مستلزم صرف هزینه، وقت و انجام محاسبات بسیار برای تعیین مبلغ خسارت برای هر فرد بوده است. به علاوه، بر اساس چنین روشی، تنها موقعیت فرد در زمان ایراد خسارت مورد توجه قرار می‌گرفت و امکان پیشرفت شغلی و به تبع آن افزایش درآمد وی نادیده گرفته می‌شد.^۳ این در حالی است که در روش جدید، محاسبه خسارات و جراحات انسان به عنوان یک موجود کامل و مشابه با سایر هم‌نوعان خود و با نرخ غرامت یکسان انجام می‌شود، چراکه از دست دادن حقوق و درآمد نتیجه‌ی از دست دادن سرمایه و قوه‌ی توانایی کسب درآمد است، صرف‌نظر از نوع کاری که انجام می‌شود و از این حیث همه

¹ Ibid.

² Tancelin, Les obligations en droit mixte du Quebec, op. cit.

³ Ibid., n. 1045

انسان‌ها در برخورداری از این توانایی با هم برابر هستند.^۱ در مقام مقایسه می‌توان چنین نتیجه گرفت که این نظام ثابت ارزیابی خسارت، از حیث مینا مشابه مقررات «دیه» در قانون ایران است. قانون اخیر در مقایسه با رویه سابق دارای مزیت‌هایی به این شرح است؛ اولاً در ماده ۱۶۱۴ ق. م. ک. در اقدامی کاملاً نوین، قابلیت افزایش خسارات بدنی به تبع نرخ محاسبه برای فرد در نظر گرفته شده است؛ ثانیاً در ماده ۱۶۱۵ ق. م. ک. برخلاف قاعده‌ی کلی «اعتبار امر قضاوت شده»، حق درخواست غرامت اضافه در طول مدت سه سال برای زیان دیده، با پیش‌بینی این نکته که آثار جراحات و صدمات در طول این دوره قابل گسترش هستند، منظور شده است؛ ثالثاً ماده ۱۶۱۶ ق. م. ک. با وجود اینکه اصل را بر پرداخت یک باره‌ی مبلغ خسارت قرار داده است (بند اول)، اما استثنایی را به نفع کودکان و صغار واردکننده آسیب جسمی، وضع کرده و امکان پرداخت اقساطی را به شرطی که خلاف آن در قرارداد وجود نداشته باشد، مقرر نموده است (بند دوم).^۲

ج) ارزیابی ضرر و زیان معنوی

ضررهای روحی و معنوی جدی (نه صرف هر امر نامطلوب) هر یک از طرفین قرارداد که منحصراً در اثر عدم اجرای تعهدی قراردادی توسط طرف دیگر روی می‌دهد (ماده ۱۴۵۸ ق. م. ک.) منشأ تحقق این نوع خسارات است، مثلاً تعرض به اعتبار و حیثیت کسی، نقض حقوق بنیادین مربوط به شخصیت افراد و یا دخالت و ورود غیر مجاز به حیطة زندگی خصوصی افراد. در رویه‌ی قضایی برای کسانی نیز که در اثر تحمل خسارت‌های مادی، احساسات و شخصیتشان جریحه‌دار شده است، حتی اگر آسیب به حقوق اساسی شخصیتی نبوده باشد و صرفاً باعث بروز برخی نگرانی‌ها، تشویش‌ها و یا شرایط نامساعد روحی - روانی در فرد شده باشد نیز غرامت‌هایی در نظر گرفته شده است، مثل سرخوردگی ناشی از کم شدن یا از دست دادن مشتری و یا لطمه خوردن به اعتبار تجاری شخص.

قانون مدنی کبک، وجود دو شرط را برای تحقق این نوع از مسئولیت لازم شمرده است: اول این که زیان معنوی، نتیجه‌ی مستقیم عدم اجرای تعهد باشد (ماده ۱۶۰۷ ق. م. ک.)، و دوم اینکه در حین انعقاد قرارداد کاملاً قابل پیش‌بینی بوده باشد (ماده ۱۶۱۳ ق. م. ک.). البته بعضی از

^۱ Ibid., n. 1043-1044.

^۲ Ibid., n. 1045.

دادگاه‌ها در اقدامی تعجب‌برانگیز و بدون ذکر هیچ دلیل موجهی، تقصیر سنگین و یا عامدانه بودن ایراد ضرر را نیز لازم دانسته‌اند؛ مثلاً برخی دادگاه‌ها اخراج کارمند بدون دادن اخطار و رعایت نکردن مهلت معقول قانونی (برای خاتمه بخشیدن به قرارداد کار) که خود به تنهایی خلاف قانون است، را کافی ندانسته و تنها هنگامی که اخراج به نحو ناگهانی، ناراحت کننده و یا شیطنت‌آمیز واقع شده باشد، مورد را محکوم دانسته‌اند. در مجموع و گذشته از چنین موارد استثنایی، قانون‌گذار در ماده ۱۴۵۸ ق. م. ک. حق مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی را برای فرد متضرر به رسمیت شناخته است. غالباً و طبق روش سنتی مبلغ ناچیزی برای جبران چنین خسارت‌هایی منظور می‌شد، اما در رویه‌ی اخیر محاکم، برای موارد شدید، شاهد تعیین مبالغی قابل توجه‌تر هستیم.^۱

قسمت دوم: خسارت‌های ناشی از تأخیر

هرچند این خسارت‌ها تابع احکام کلی خسارت‌های ترمیمی هستند، اما خصوصیات منحصربه‌فرد نیز دارند؛ مانند حق درخواست خسارت‌های تکمیلی و غرامات مضاعف یا اضافه بر اصل و سود دین که مشروح آن را جداگانه ملاحظه خواهیم کرد.^۲

تفاوت میان خسارات ناشی از تأخیر در پرداخت‌های پولی و خسارات ناشی از فعل یا ترک فعل در مبحث اول گذشت. در مورد نحوه‌ی ارزیابی خسارت‌های غیر پولی که خارج از زمان مورد توافق انجام شده، به همان روش که در مورد ضرر وارده یا منفعت از دست رفته در خسارات ترمیمی دیدیم، در قالب «فقدان درآمد ناشی از انجام تعهد»^۳ یا «محروم شدن از فرصت انجام فعالیت تجاری و اقتصادی»^۴ برای کل طول دوره تأخیر عمل می‌شود. علاوه بر این در قانون کنونی ایالت کبک به متعهدله اجازه داده شده که بهره‌ی مبلغ خسارت را نیز با لحاظ شرایطی مطابق نرخ بهره قراردادی یا قانونی از متعهد دریافت کند (ماده ۱۶۱۸ ق. م. ک.).^۵

^۱ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 951-953, n. 784.

^۲ Ibid., pp. 971-972, n. 796.

^۳ Perte de revenus d'exploitation

^۴ Perte d'occasion d'affaires

^۵ Ibid., p. 978, n. 799.

اکنون به بررسی احکام کلی و سپس روش‌های متنوع محاسبه‌ی تأخیرهای پولی و مقادیر مختلفی که در این صورت به متضرر اختصاص می‌یابد خواهیم پرداخت. ارزیابی مبلغ خسارت بر پایه محاسبه اصل بدهی به اضافه سود متعلقه انجام می‌گیرد. نرخ این بهره اگر توسط طرفین در قرارداد ذکر نشده باشد، بر مبنای قانون تعیین می‌گردد. دادگاه باید به صراحت نرخ بهره را در متن حکم خود مشخص کند و نمی‌تواند به شاخص‌های متغیر ارجاع دهد. البته ارجاع به نرخ‌های قطعی و شناخته شده‌ای که توسط نهادهای عمومی به عنوان شاخص رسمی استفاده می‌شوند، مانند خسارت از کارافتادگی ناشی از حوادث کار و نظایر آن، در حکم تعیین مبلغ است. مبدأ محاسبه زمانی، به محض تخلف از پرداخت در سررسید شروع می‌شود و برخلاف روش عمومی در سایر موارد، نیاز به دادن زمان معقول و مشخص به بده کار برای ادای دین ندارد (ماده ۱۶۰۰ و ۱۶۱۷ ق. م. ک.). طرفین حتی می‌توانند در خصوص زمان تعلق بهره، قبل از سررسید توافق کنند؛ خصوصاً در مواردی نظیر قرض با بهره که احتساب و بازپرداخت بهره‌ی آن به محض دریافت مبلغ قرض آغاز می‌گردد^۱ (ماده ۲۳۳۰ ق. م. ک.).^۲

مبانی محاسبه ضرر در خسارت‌های پولی ناشی از تأخیر، در چهار مرحله قابل بررسی است: چنانکه پیش‌تر به عنوان ملاک کلی دیدیم، مبنای نخستین و رسمی احتساب خسارت بر پایه محاسبه اصل ضرر به اضافه سود (بهره) آن است. در محاسبه مقدار بهره، اصل بر قانونی بودن آنست، مگر اینکه طرفین در متن قرارداد نسبت به تعیین آن توافق حاصل کرده باشند (بند ۲ ماده ۱۶۱۷ ق. م. ک.). نرخ قانونی بهره به موجب ماده ۱۸ «قانون فدرال راجع به بهره»، از قرار سالی ۵٪ مقرر گردیده است. از نظر زمانی مبدأ احتساب بهره از موقعی است که متعهد از انجام تعهد خود استنکاف می‌ورزد و متعهدله اجرای تعهد را مطالبه می‌کند (بند ۲ ماده ۱۶۱۷ ق. م. ک.). جالب این‌جاست که حتی در صورتی که برای اصل مبلغ خسارت سقفی تعیین شده باشد، متعهد حق درخواست چنین مبلغی را مازاد بر اصل خسارات داراست؛ زیرا آنچه طبق قرارداد محدود

^۱ البته باید این نکته را مدنظر داشت که مثال فوق ناظر بر خسارت تأخیر نیست و صرفاً از باب شاهی برای تقریب ذهن ذکر شد.

^۲ Tancelin, Les obligations en droit mixte du Quebec, op. cit., n. 1115; Baudouin et Jobin, op. cit., p. 973, n. 797.

شده، اصل مبلغ است و نه منافع حاصل از آن که جداگانه مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.^۱

در دومین مبنا علاوه بر مطالبه‌ی اصل و بهره خسارت (موضوع تعهد)، غرامتی اضافه بر آن نیز قابل دریافت است. این «غرامت اضافه»^۲ به عنوان محرکی علاوه بر مبلغ ناچیز بهره قانونی پیش‌بینی شده تا متعهد سهل‌انگار را به انجام تعهد خود مجبور کند. مقدار آن عبارتست از حاصل تفاوت میان نرخ بهره‌ی قانونی یا قراردادی از یک سو و نرخ جریمه بر بهره‌های مالیاتی از دیگر سو (ماده ۱۶۱۹ ق. م. ک.). مبدأ آن نیز طبق قاعده کلی از زمان تأخیر در پرداخت محسوب می‌گردد (ماده ۱۶۱۷ ق. م. ک.). از آنجا که حق مطالبه‌ی این نوع از خسارات حقی مطلق و بلاشرط نیست، برای حصول آن باید رسماً به دادگاه مراجعه و به صراحت آن را درخواست نمود. دادگاه در تعیین آن دارای اختیار کامل است و چنانچه مبلغی هنگفت مطالبه شده باشد می‌تواند آن را رد یا تعدیل نماید. غالب محاکم کبک در مواردی که طلب کار در مقطع زمانی مشخص نسبت به پیگیری و وصول طلب خود اقدامات لازم را انجام نداده، رویه‌ی خود را بر کم کردن مبلغ خواسته گذاشته‌اند، بدون اینکه اصل درخواست را رد کنند.^۳

مبنای سوم به حالتی استثنایی منحصر می‌شود که خسارتی علاوه بر خسارات عادی که به صرف گذشت زمان پدید می‌آیند، به متعهدله وارد شده باشد و در نتیجه منجر به دریافت جبران خسارت اضافی می‌گردد (بند ۳ ماده ۱۶۱۷ ق. م. ک.). مطالبه‌ی چنین خساراتی مشروط به اجتماع دو شرط خواهد بود: اول اینکه به موجب شرطی صریح و مجزا در قرارداد پیش‌بینی شده باشد و دوم اینکه متعهدله بتواند وجود چنین ضرری را اثبات نماید. مبلغ این نوع خسارت یا می‌بایست از قبل معین شده، و یا قابل تعیین باشد (ماده ۱۷۳۴ ق. م. ک.). از این خسارت در واقع بیشتر به عنوان ابزاری جهت تضمین اجرای اصل تعهد استفاده می‌شود.^۴

¹ Lluelles et Moore, op. cit., p. 1864, n. 2993.

² Indemnité additionnelle

³ Ibid., p. 1865, n. 2994; Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 980-982, n. 800.

⁴ Lluelles et Moore, op. cit., p. 1866, n. 2995.

چهارمین و آخرین مبنای محاسبه خسارت، که دربر گیرنده موردی بسیار نادر و محدودتر از موارد پیش گفته است، ناظر است به «وضع بهره بر بهره»^۱ یا همان «بهره‌ی مرکب» که علاوه بر سود اصل پول، بهره‌های مضاعف را بر بهره‌ی آن تحمیل می‌کند. برای مطالبه‌ی این خسارت باید وجود چنین شرطی را در قرارداد یا قانون احراز نمود، همچنانکه در تشریفات رسیدگی هم باید به صراحت ذکر و مورد مطالبه باشد (ماده ۱۶۲۰ ق. م. ک.)^۲.

گفتار دوم- ارزیابی خسارت‌های تنبیهی به طریق قضایی

پیش از تصویب قانون مدنی فعلی، دادگاه‌های کبک برای تعیین ملاک‌های مؤثر در ارزیابی مبلغ خسارت‌های تنبیهی، چه در روابط قراردادی و چه غیر قراردادی، دچار تردید و سردرگمی بودند، زیرا تعیین مبلغ غرامت تنها به نظر قاضی و صلاح‌دید او واگذار شده بود. در حال حاضر ملاک‌ها و چارچوب‌های عینی برای ارزیابی خسارت در ماده ۱۶۲۱ (ق. م. ک.) به صراحت برای قضات مشخص شده است.^۳ طبق جمله‌ی پایانی نخستین بند از ماده ۱۶۲۱ که با رویکردی هدف‌گرایانه و برخلاف بعضی از نظام‌های تابع «کامن لا» وضع شده است، مبلغ خسارت‌های تنبیهی نباید از آنچه برای ایفای نقش بازدارندگی آن لازم است، تجاوز نماید.^۴ این ملاک‌ها به شرح زیر هستند:

مهم‌ترین ملاک ارزیابی این خسارات، شدت خطا یا تقصیر ارتكابی از جانب متخلف است. درست است که تمامی انواع این خسارت‌ها بر پایه‌ی اعمال قابل سرزنش بنا شده‌اند، اما شدت هر عمل می‌تواند متفاوت با عمل دیگر باشد. بر این مبناست که برای مثال، در منشور حقوق و آزادی‌های فردی، عامدانه بودن لازم است، ولی در جای دیگر مانند قانون حمایت از مصرف‌کننده یا روابط موجر و مستأجر در اغلب موارد صرف وقوع عمل خلاف قانون کفایت می‌کند. برخی از کیفیات

^۱ Capitalisation des Intérêts ou anatocism

^۲ Ibid., p. 186۶, n. 2996; Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 982-983, n. 801.

^۳ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 999-1000, n. 815.

^۴ Lluelles et Moore, op. cit., p. 1867, n. 2997.

مشده‌ی این خسارت‌ها عبارتند از: خطرناک و یا خشونت‌بار بودن عمل، آسیب‌پذیر بودن قربانی و یا پشیمان نشدن و تکرار عمل.^۱

۱- وضعیت مالی متعهد نیز خصوصیتی مهم و تضمین‌کننده در بازدارندگی وی از ارتکاب یا تکرار عمل می‌باشد. مبلغی که مانع انجام عمل سودآور غیر مشروعی برای یک مؤسسه بزرگ تجاری می‌شود، به نحو ملموسی با جریمه‌ی بازدارنده برای یک تاجر معمولی یا یک فرد عادی در قبال سود کم‌تری که به دست می‌آورد، متفاوت است.^۲

۲- دامنه‌ی مقدار خسارت ترمیمی که متعهد محکوم به پرداخت آنست و نیز اینکه آیا شخص ثالثی نیز متکفل پرداخت تمام یا قسمتی از جریمه هست یا خیر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. منظور از شخص ثالث در این زمینه، «بیمه» است که معمولاً موظف به پرداخت خسارت‌های ترمیمی است و مسئولیت خسارات تنبیهی را به عهده نمی‌گیرد، خواه به این دلیل که ضرر ناشی از یک عمل عامدانه بوده است (بند ۱ ماده ۲۴۶۴ ق. م. ک.)، و خواه بدین دلیل که طبق قرارداد این نوع از خسارات از شمول بیمه استثنای شده است. در مجموع، توجه دادگاه معطوف به این مسأله است که در نهایت متعهد متخلف شخصاً چه مبلغی را باید پرداخت کند و بار پرداخت چنین مبلغی، چه تأثیری در راستای نیل به اهداف این جریمه بر وی خواهد گذاشت؟^۳

هرچند که رؤس عوامل تعیین‌کننده در بند ۲ ماده ۱۶۲۱ ق. م. ک. ذکر شده، اما این عوامل حصری نبوده و مقنن در راستای حفظ جانب احتیاط و هرچه دقیق‌تر و عادلانه‌تر بودن مبلغ جریمه، اضافه می‌کند که «تمامی اوضاع و احوال مؤثر» هم بایست مورد مذاقه و بررسی دادگاه قرار گیرند؛ برای مثال، این که فرد خاطی به جریمه‌ی کیفری نیز محکوم شده است یا نه می‌تواند عاملی تأثیرگذار در این باره باشد؛ که البته این موضوع اختلافاتی را در آرای قضایی ایجاد کرده بود. برخی با استناد به این که محکومیت به خسارت تنبیهی علاوه بر جریمه‌ی کیفری، موجب مجازات مضاعف می‌گردد، از صدور حکم به پرداخت جریمه‌ی تنبیهی خودداری

¹ Baudouin et Jobin, op. cit., pp. 1000-1001, n. 815.

² Ibid., pp. 1001-1002, n. 815.

³ Ibid., p.1002, n. 815.

می‌کردند و دسته دیگر برخلاف نظر این گروه معتقد بودند که احکام کیفری منافاتی با موضوعات مدنی نداشته و مانع از محکومیت به هر دو نمی‌باشد. نهایتاً، دیوان (دادگاه) عالی کانادا با اتخاذ راهی میانه اعلام داشت محکومیت کیفری مانع از تحمل خسارات تنبیهی نبوده، اما وجود محکومیت کیفری می‌تواند عاملی برای تعدیل این خسارت باشد.^۱

قدر مسلم این که دادگاه از قدرت تصمیم‌گیری قاطعی در خصوص ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت برخوردار است تا اینکه منظور قانون‌گذار در این زمینه با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه تأمین شود. مشخصاً وضع مبلغی ناچیز، کارآیی لازم را نداشته و از دیگر سو، وضع جریمه‌ای سنگین منجر به دارا شدن ناعادلانه و بدون دلیل زیان‌دیده به ضرر و هزینه متخلف می‌شود. به همین دلیل مشاهده شده که گاهی مبلغ خسارت تنبیهی در دعوایی خاص حتی از مبلغ خسارات ترمیمی بیشتر برآورد شده و یا حتی به دلیل استقلالی که خسارات تنبیهی دارند، در مواردی بدون محکومیت به خسارت ترمیمی، متخلف را به آن محکوم کرده‌اند. از نظر آماری بیشترین موارد، مربوط به نقض ماده ۴۹ منشور حقوق و آزادی‌های کبک و بیشتر در زمینه غیر قراردادی بوده تا در موارد قراردادی. با این حال رویه قضایی اخیر تمایل بیشتری نسبت به افزایش خسارت‌های قراردادی از خود نشان داده است. در مورد تخلفات مربوط به اجاره مسکونی و همچنین تخلفات سازنده و فروشنده علیه مصرف‌کننده، مبالغ نسبتاً ناچیزتری در نظر گرفته شده که خود شاهدهی است بر اولویت داشتن حقوق اساسی و شخصیتی افراد بر مسائل اقتصادی و تجاری. با وجود این، احتمال صدور محکومیت‌های سنگین و قابل ملاحظه در مورد رفتارهای شوک‌آور، مانند اعمال تجاری یا صنعتی در مقیاس گسترده و بسیار سودآور متناسب با درجه عمل ارتكابی دور از ذهن نیست.^۲

گفتار سوم - ارزیابی خسارات قانونی و هزینه‌های دادرسی

پرسش این‌جاست که در حقوق کبک برای خواهان متضرر در خصوص تعیین هزینه‌های پرداخت شده برای طرح دعوا و سایر مخارج از قبیل هزینه‌ی دادرسی و حق‌الوکاله و احیاناً دستمزد

^۱ Ibid., pp. 1003-1004, n. 815.

^۲ Ibid., p. 1006, n. 815.

کارشناس چه معیار قانونی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت هزینه اقامه‌ی دعوا و سایر هزینه‌های دادرسی که مطابق نرخ دولتی و به حساب دادگستری واریز می‌شوند (چون متضمن منافع عمومی است)، تماماً قابل مطالبه هستند؛ علاوه بر این که این هزینه‌ها بر سایر هزینه‌ها و حتی دیون سایر طلب‌کاران نیز اولویت داشته و حتی بر پرداخت طلب‌های تضمین شده با رهن و ضمان نیز مقدم می‌باشند (بند ۱ ماده ۲۶۵۱، و ۲۶۵۲ ق. م. ک.).^۱ همچنین هزینه کارشناسی که به صورت معقول و متعارف بر حسب نظر قاضی از اوضاع و احوال پرونده لازم تشخیص داده شده باشد، تماماً قابل پرداخت است^۲، و در غیر این صورت تمام یا قسمتی از آن غیر قابل پرداخت تشخیص داده می‌شود. در مورد حق الوکاله، موضع نظام حقوقی کبک با رویه‌ی عمومی متخذه در اکثر نظام‌های حقوقی که در صورت پیروزی در دادگاه، حق مطالبه‌ی حق الوکاله را نیز در زمره‌ی هزینه‌های دادرسی مجاز می‌شمارند، متفاوت است. مطابق پیشینه‌ی سنتی حقوق کبک، بازپرداخت چنین هزینه‌ای مرسوم نبوده و خواهان دعوا خود متقبل پرداخت حق الوکاله خواهد بود، چراکه هزینه هر وکیل با وکیل دیگر متفاوت بوده و خود می‌تواند باعث غافل‌گیر نمودن متعهد و یا تحمیل هزینه‌های گزاف به وی شود. وجود این موضع کلی اما مانع از آن نیست که شرط مندرج در قرارداد که صراحتاً پرداخت حق الوکاله را نیز بر عهده‌ی متخلف قرار می‌دهد، بی اثر گرداند. بنابر این در صورتی که مبلغ معین و یا قابل تعیین باشد و همچنین قانون آن را منع نکرده باشد، این خسارت نیز بر پایه‌ی احترام به مفاد قرارداد باید پرداخت گردد. استثنای دیگر در مورد سوءاستفاده از آیین دادرسی است که در صورتی که یکی از اصحاب دعوا مرتکب چنین عملی گردد، ماده ۵۴ ق. آ. د. م. ک. علاوه بر تحمل خسارت تنبیهی بر وی، بازپرداخت هزینه‌ی کامل وکیل را نیز در کنار سایر هزینه‌های دادرسی مجاز می‌شمارد.^۳

¹. Collection de droit, volume 6, contrats, suretés, publicité des droits et droit international privé, barreau de Québec, ed. Yvon-Blais, Cowansville, 2013, p. 132.

². Lluelles et Moore, op. cit., p. 1883, n. 3010/1.

³. Ibid.

نتیجه‌گیری

برخلاف مواد ۲۲۱ و ۳۸۶ قانون مدنی و نیز ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران که بر دیدگاهی حداقلی و بسیار مضیق از خسارات قابل مطالبه در فرض نقض قرارداد، مبتنی هستند، حقوق مدنی ایالت کبک کانادا: اولاً، حق مطالبه خسارت را محدود و منحصر به موارد مصرح قراردادی نمی‌داند؛ ثانیاً، مفهوم خسارت، نه تنها ضررهای وارده، بلکه عدم‌النفع مسلم، مستقیم و قابل پیش‌بینی را نیز دربر می‌گیرد؛ ثالثاً، خسارات قابل مطالبه در دیون پولی دارای نظام خاص و روشنی می‌باشد؛ و رابعاً، خسارت تنبیهی در موارد ضروری مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته و ضابطه‌مند شده است.

منابع

الف - کتاب‌ها و مقالات

- Collection de droit, volume 6: contrats, suretés, publicité des droits et Droit international privé, barreau de Québec, ed. Yvon-Blais, Cowansville, 2013.
- Didier Lluelles et Benoit Moore, Droit des obligations, 2e ed. éditions Thémis, Montréal, 2012.
- Jean-Louise Baudouin et Pierre-Gabriel Jobin, Les obligations, 7^e ed., edition Yvon Blais, Cowansville, 2013.
- Jean-Louis et Vincent Karim, Recueil de jurisprudence, Droit des obligations, 3^e ed. éditions Thémis, Montréal, 2001.
- Maurice Tancelin, Les obligations en droit mixte du Québec, 7e ed., édition Wilson&Lafleur, Montréal, 2009.
- Maurice Tancelin, Des obligations, contrats et responsabilités, 4^e ed. édition Wilson&Lafleur, Montréal, 1988.

ب - آرای محاکم

- Compagnie des chemins de fer nationaux du Canada c. Royal et Sun Alliance du Canada, Sociétés d'assurances, 2008 CSC 66 (CanLII), [2008] 3 RCS 453.
- Pontbriand c. Montréal Land & Housing Corp., [1985] C.S. 321-325.